

تفسیر سوره

انسان

سیمای سوره انسان

در روایات آمده است: امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم به عیادت آنان آمدند و به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کردند که برای سلامتی دو کودک عزیز خود نذر کنند که روزه بگیرند. پس از آن که حسنین بهبود یافتند، حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام سه روز روزه گرفتند، اما برای افطار غذایی در خانه نداشتند.

حضرت علی علیه السلام از شمعون یهودی مقداری جو قرض کرد و نانی تهیه شد. به هنگام مغرب ابتدا نماز مغرب را خواندند و خواستند افطار نمایند که شب اول فردی مسکین، شب دوم فردی یتیم و شب سوم سائلی اسیر، درب منزل علی علیه السلام را به صدا درآوردند و درخواست غذا کردند. اهل بیت علیهم السلام برای رضای خدا، غذای خود را به آنان دادند و خودشان با آب افطار کردند. خداوند متعال، این سوره را در وصف ایثار آنان نازل فرمود.

مهم آن است که در این حرکت مقدس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سهیم و شریک نبود تا روشن شود که این سوره فقط درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده است.^(۱)

۱. الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً
﴿ ۲ ﴾ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ
سَمِيعاً بَصِيراً

آیا بر انسان دوره‌ای از روزگار گذشت که چیزی قابل ذکری نبود؟ همانا ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته (از نطفه مرد و زن) آفریدیم تا او را بیازماییم، پس او را شنوا و بینا گردانیدیم.

نکته‌ها:

- «دَهر» به معنای زمان و دوران و «آمشاج» جمع «مشیج» به معنای مخلوط است.
- امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند: «کان شیئاً لم یکن مذکوراً»^(۱) انسان، چیزی بود ولی قابل ذکر نبود و بعداً قابلیت پیدا کرد.
- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: انسان در تقدیر الهی بود، ولی چیز موجودی نبود. «لم یکن شیئاً مذکوراً»^(۲)
- امام باقر علیه السلام فرمودند: مراد از «نطفة امشاج»، اختلاط نطفه مرد با زن است.^(۳)
- برای بیدار کردن وجدان خفته، گاهی مسائل قطعی در قالب سؤال مطرح می‌شود. چنانکه مادر از فرزند خود می‌پرسد: آیا من به تو شیر ندادم؟ در این آیه هم کلمه «هل» به معنای «قد» می‌باشد. «هل اتی علی الإنسان...» یعنی به تحقیق، بر هر انسانی دورانی گذشته که

۱. تفسیر برهان.

۲. تفسیر کنزالدقائق.

۳. تفسیر نورالثقلین.

چیز قابل ذکر نبوده است.

□ ناچیز بودن انسان گاهی طبیعی است، «لم یکن شیئاً مذکوراً» ولی گاهی به خاطر عملکرد نامناسب، انسان خودش را به مرز ناچیز بودن می‌رساند. چنانکه قرآن می‌فرماید: «یا اهل الکتاب لستم علی شیءٍ حتی تقيموا التوراة والانجیل و...» ای اهل کتاب! اگر کتاب آسمانی را برپا ندارید، هیچ هستید.^(۱)

□ قرآن، ۱۲ مرتبه از آفرینش انسان از نطفه یاد کرده است، تا هم قدرت خداوند معلوم شود که از نطفه‌ای انسان می‌سازد و هم انسان دچار غرور و تکبر نگردد.

پیام‌ها:

- ۱- انسان، باید درباره منشأ وجود خود فکر کند. «لم یکن شیئاً مذکوراً»
- ۲- انسان موجودی نوآفریده و حادث است. «لم یکن شیئاً مذکوراً»
- ۳- انسان در مسیر وجودی خود، روند تکاملی داشته و مراحل طی نمودن است: ابتدا وجود نداشت، «لم یکن شیئاً»^(۲) بعد از بوجود آمدن هم، چیز قابل ذکری نبود «لم یکن شیئاً مذکوراً»
- ۴- یاد ضعف‌ها، غرور انسان را برطرف و او را تسلیم خداوند می‌کند. «لم یکن شیئاً مذکوراً»
- ۵- آفرینش انسان از نطفه‌ای ناچیز، جلوه‌ای از عظمت الهی است. «إنا خلقنا الإنسان من نطفة...»
- ۶- خداوند، با صورت‌گری روی آب، قدرت نمایی می‌کند. «من نطفة امشاج»
- ۷- آفرینش انسان، حکیمانه و هدفدار است. «خلقنا الانسان... نبتلیه»
- ۸- انسان، موجودی مسئول و مکلف است. (آزمایش کردن نشانه تکلیف است). «نبتلیه»
- ۹- همه انسان‌ها در طول تاریخ مورد آزمایش الهی واقع می‌شوند. «نبتلیه»

۱. مائده ۶۸.

۲. مریم، ۶۷.

۱۰- بیان دو ویژگی شنوایی و بینایی برای نمونه است وگرنه تمام اعضای بدن مورد امتحان واقع می شوند. «سَمِيعًا بَصِيرًا»

﴿۳﴾ اِنَّا هَدَيْنَاكَ السَّبِيلَ اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُوْرًا ﴿۴﴾ اِنَّا اَعْتَدْنَا
لِلْكَافِرِيْنَ سَلَاسِلًا وَاَغْلَالًا وَاَسْعِيْرًا

به راستی ما راه (حق) را به او نمایانندیم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس. همانا ما برای کفر پیشه‌گان زنجیرها و غل‌ها و آتشی برافروخته آماده ساخته‌ایم.

نکته‌ها:

- هدایت، چند گونه است:
- گاهی هدایت فطری است. چنانچه قرآن می‌فرماید: «فَالْهَمُّهَا فَجُوْرَهَا وَتَقْوَاهَا»^(۱) خداوند به نفس بشر، خیر و شرّ را الهام کرد.
- نوع دیگر، هدایتی است که از طریق تحصیل، تعقل، مشورت، تجربه و مطالعه به دست می‌آید. و نوع سوّم هدایتی است که از راه تبلیغ و ارشاد انبیا و اولیا صورت می‌گیرد.
- تشکر گاهی قلبی است، یعنی همه نعمت‌ها را از خدا بدانیم؛ گاهی عملی است، بدین معنا که انسان نعمت‌های خداوند را فقط در راه حق مصرف کند و گاهی زبانی است، یعنی انسان «الحمد لله رب العالمین» را بر زبان جاری کند.
- «سلاسل» جمع «سلسله» به معنای زنجیر و «أغلال» جمع «عُلٌّ» به معنای طوقی است که به گردن می‌نهند و «سعیر» به معنای آتش افروخته است.
- امام صادق علیه السلام ذیل آیه «اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُوْرًا» فرمودند: «عرفناه اِمَّا اَخَذَ وَاِمَّا تَارَكَ»^(۲) ما راه را به او معرفی کردیم، یا آن را می‌گیرد و یا رها می‌کند.
- «سلاسل و اغلالاً» یعنی زنجیر در پا و غل بر گردن.

۲. تفسیر کنزالدقائق.

۱. شمس، ۸.

□ انسان در مسیر بندگی و تشکر از خداوند، مرحله ضعیف یا متوسطی را طی می‌کند ولی در طریق سرکشی و تمرد، مرحله بالایی را می‌پیماید. در شکر، شاکر است (نه شکور)، ولی در کفر، کفور است. «اَما شاکراً و اَما کفوراً» یعنی شکر او معمولی ولی کفر او قوی است. به چند نمونه دیگر توجه کنید. قرآن می‌فرماید:

«اِنَّهٗ لَیُؤَسُّ»^(۱) انسان بسیار مأیوس است.

«اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ»^(۲) به راستی که انسان بسیار ظالم است.

«كَانَ الْاِنْسَانُ عَجُوْلًا»^(۳) انسان موجودی عجول است.

«كَانَ الْاِنْسَانُ قَتُوْرًا»^(۴) انسان، تنگ نظر است.

«اِنَّ الْاِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوْعًا»^(۵) انسان بسیار حریص و کم طاقت است.

«اِذَا مَسَّ الشَّرَّ جُزُوْعًا»^(۶) هنگامی که شری به او رسد، بسیار جزع و فزع می‌کند.

«اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهٖ لَکَنُوْدٌ»^(۷) انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است.

پیام‌ها:

۱- آزمایش انسان، براساس آگاهی و آزادی است:

آگاهی به واسطه چشم و گوش و عقل و فطرت درونی و هدایت بیرونی؛ و آزادی بر مبنای اختیار که به تمام انسان‌ها داده شده است: «نَبْتَلِيْهٖ... سَمِيْعًا بَصِيْرًا هَدِيْنَاهُ... اَما شاکراً و اَما کفوراً»

۲- خداوند، حجت را بر انسان تمام کرده است. «اِنَّا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ»

۳- راه درست، یکی بیش نیست. «اِنَّا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ» (کلمه «سبیل» مفرد است).

۴- هدایت، نعمتی در خور سپاس است. «اِنَّا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ اَما شاکراً» (پیمودن راه

دین، شکر الهی و انحراف از آن، کفران و ناسپاسی است).

۱. هود، ۹. ۲. ابراهیم، ۳۴. ۳. اسراء، ۱۱. ۴. اسراء، ۱۰۰. ۵. معارج، ۱۹. ۶. معارج، ۲۰. ۷. عادیات، ۶.

۵- کسانی که هدایت انبیا را نپذیرند، بالاترین مرحله از کفر را مرتکب شده‌اند. (به جای آنکه بگویند «اَما کافراً»، فرمود: «اَما شاکراً و اَما کفوراً». زیرا «کفور»، اوج کفر است.)

۶- هرکس شاکر نباشد، کفور است، راه سوّمی وجود ندارد. «اَما شاکراً و اَما کفوراً»
۷- در تربیت انسان، نقش هشدار، بیش از بشارت است. (لذا قرآن ابتدا هشدار می‌دهد و سپس بشارت.) «اَنا اعتدنا للکافرین...»

۸- کیفرهای الهی دارای ملاک و معیارند. «اَنا اعتدنا للکافرین سلاسل و اغلالاً و سعيراً»

۹- هر انتخابی، سرانجام خود را به دنبال دارد. کفر، دوزخ را و شکر، بهشت را.
«اَما شاکراً و اَما کفوراً... اَنا اعتدنا للکافرین... انّ الأبرار...»

﴿۵﴾ اِنَّ الْاَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً ﴿۶﴾ عَيْنًا
يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا

همانا نیکان از پیمانه‌ای می‌نوشند که با کافور (گیاهی خوشبو) آمیخته شده است. چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و هر گونه بخواهند، آن را جاری می‌سازند.

نکته‌ها:

- «أبرار» یا جمع «برّ» است، (همانند آریاب که جمع ربّ است) یا جمع «بارّ» است (نظیر «أشهد» که جمع «شاهد» است). به هر حال «برّ» به معنای گستردگی است و بیابان را به خاطر گستردگی آن، «برّ» می‌گویند. انسان نیکوکار دارای روحی باز و گسترده است و هدف او از انجام کار نیک، رسیدن به مال و مقام نیست بلکه فکری فراتر از مال و مقام دارد. دست نیکوکاران برای کمک به دیگران باز و اجر آنان نیز گسترده است.
- «کافور» به معنای گیاه خوشبو است که در خنکی و سفیدی ضرب المثل است.
- «تفجیر» به معنای شکافتن است و به کسی که با گناه پرده حیا را بشکافد، «فاجر»

می‌گویند و «فجر» نوری است که تاریکی شب را می‌شکافد.

□ براساس روایات، مراد از «ابرار» در این آیات، اهل بیت پیامبر ﷺ هستند که با نذر روزه گرفتند و افطاری خود را به یتیم و مسکین و اسیر دادند که در آیات بعد آمده است. با اینکه عده‌ای این سوره را مدنی می‌دانند، اما بعضی مغرض و مخالف می‌گویند: سوره انسان مکی است و حسنین ﷺ در مدینه متولد شده‌اند، بنابراین این آیات درباره اهل بیت نازل نشده، زیرا بیماری آنان و عبادت پیامبر و روزه والدین آنها در مدینه بوده است! در پاسخ می‌گوییم: در بسیاری از سوره‌های مکی، آیات مدنی وجود دارد و بهترین شاهد مطلب آن است که کلمه «أسر» در این آیات آمده، با آن که در مکه اسیری وجود نداشته و اسیر گرفتن مربوط به جنگهای پس از هجرت به مدینه است.

پیام‌ها:

- ۱- احسان و نیکوکاری جلوه‌ای از شکر هدایت الهی است. ﴿أما شاکراً... انّ الأبرار...﴾
- ۲- نوشیدنی‌های بهشتی مخلوط با مواد خوشبو و معطر است. ﴿كان مزاجها كافراً﴾
- ۳- کامیابی‌های بهشتی به کسانی تعلق می‌گیرد که خود را به مرحله عبودیت رسانده باشند. ﴿یشرب بها عباد الله﴾
- ۴- محرومیت‌های موقت بندگان خدا در دنیا، در قیامت جبران می‌شود. ﴿یشرب بها عباد الله﴾
- ۵- اهل بیت، به خاطر رسیدگی به محرومان، به لقب ابرار و به خاطر اطاعت از خداوند، به لقب عباد الله ملقب شدند. ﴿انّ الأبرار... عباد الله﴾
- ۶- بندگان خدا، اهل نیکی به دیگران هستند و نیکوکاران، بنده خدا هستند. ﴿الابرار یشربون... یشرب بها عباد الله﴾
- ۷- اراده بهشتیان کارساز است و آنان به هر چه اراده کنند می‌رسند و هرچه را اراده کنند انجام می‌شود. ﴿یفجرونها تفجيراً﴾

﴿۷﴾ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿۸﴾ وَ
يُطْعَمُونَ أَلْطَعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿۹﴾ إِنَّمَا
نُطْعِمُكُمْ لِرِجَالِكُمُ اللَّهُ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا تَشْكُورًا ﴿۱۰﴾ إِنَّا
نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا

آنان به نذر وفا می‌کنند و از روزی که شرش فراگیر است می‌ترسند. و غذای خود را با آن که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می‌دهند. (و می‌گویند): ما برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما پاداش و تشکری نمی‌خواهیم. همانا ما از پروردگارانمان، به خاطر روزی عبوس و سخت، می‌ترسیم.

نکته‌ها:

- «مُستطیر» از «سَیْطَرَه» یعنی سلطه است و ریشه آن «طَیْر»، به معنای گستردگی است.
- «قَمْطَریر» به معنای شَرّی است که سخت باشد.
- بر اساس برخی روایات، اطعام مسکین و یتیم و اسیر در یک شب واقع شد و براساس برخی، در سه شب متوالی اتفاق افتاد و هر شب، یکی از آنها مراجعه کرد.
- مراد از ﴿يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ﴾ آن است که اهل بیت با آنکه آن غذا را دوست داشتند، به دیگران دادند. چنانکه قرآن در جای دیگر می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ﴾ به نیکی نمی‌رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید.^(۱)
- صاحب تفسیر المیزان می‌فرماید: محبت اهل بیت به خداوند در آیه بعد مطرح شده که می‌گویند: ﴿إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِرِجَالِكُمُ اللَّهُ﴾ و منظور از ﴿عَلَىٰ حُبِّهِ﴾، علاقه به غذا است که در این صورت، علاوه بر اخلاص، ایثار آنان نیز ثابت می‌شود.
- اگر به فکر نام و شهرت نباشید، خداوند نامتان را جاودانه می‌کند. کاری که اهل بیت کردند، ارزش مادی فراوانی نداشت ولی چون خالصانه بود، خداوند آن را ماندگار ساخت.

۱. تفسیر برهان؛ محاسن برقی، ج ۲، ص ۳۹۷.

- در این آیه، کلمات مسکین و یتیم و اسیر به صورت نکره آمده تا بگوید: در اطعام، نباید گزینش کرد، بلکه به هرکس که بود انفاق کنید.
- پروین اعتصامی درباره اخلاص در انفاق می‌گوید:

بزرگی داد یک درهم گدا را	که هنگام دعا یاد آر ما را
یکی خندید و گفت این درهم خُرد	نمی‌ارزید این بیع و شری را
مکن هرگز به طاعت خودنمایی	حجاب دل مکن روی و ریا را
تو نیکی کن به مسکین و تهیدست	که نیکی خود سبب گردد دعا را
به وقت بخشش و انفاق پروین	نباید داشت در دل جز خدا را

- خوف از خداوند، به معنای خوف از مقام اوست. چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: ﴿و لمن خاف مقام ربّه﴾^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- کمال واقعی زمانی است که نیکی در انسان نهادینه شود. (تمام کمالات با فعل مضارع که نشانه استمرار فعل است، آمده است.) ﴿یوفون، یخافون، یطعمون و...﴾
- ۲- اطعام و انفاق زمانی ارزش بیشتر دارد که شیء انفاق شده، مورد نیاز و علاقه انسان باشد. ﴿یطعمون الطعام علی حبّه﴾
- ۳- اسلام، حامی مستمندان و یتیمان و اسیران است. ﴿و یطعمون الطعام... مسکینا و یتیمًا و اسیراً﴾
- ۴- گروهی طعام را دوست دارند و گروهی اطعام را. ﴿یطعمون الطعام علی حبّه﴾
- ۵- اطعام، زمانی ارزش بیشتری دارد که از خود و با دست خود باشد. ﴿نطعمکم﴾
- ۶- کمکی ارزش دارد که خالصانه و به دور از هر منت و انتظاری باشد. ﴿نطعمکم لوجه الله﴾
- ۷- آنچه به عمل ارزش می‌دهد، انگیزه خالصانه و اخلاص در عمل است.

۱. الرّحمن، ۴۶.

﴿نطعمکم لوجه الله لا نريد منکم جزاء و لا شکورا﴾

۸- نیکان، نه تنها با زبان درخواست تشکر ندارند، بلکه در دل هم به فکر تمجید و تشکر نیستند. ﴿لا نريد... شکورا﴾

۹- گرچه ابرار انتظار پاداش ندارند ولی مردم نباید بی تفاوت باشند. در آیه ۲۵ سوره قصص می‌خوانیم: حضرت شعیب دخترش را فرستاد تا پاداش سقایی و آب دادن حضرت موسی را بپردازد. ﴿انّ ابی یدعوك لیجزیک اجر ما سقیت﴾

۱۰- گذشتن از پاداش، به تنهایی نشانه اخلاص نیست، بلکه گذشتن از تمجید و تشکر نیز لازم است. ﴿لا نريد منکم جزاء و لا شکورا﴾

۱۱- وفای به نذر واجب است و کسی که به نذر خود وفا نکند، از قهر الهی بترسد. ﴿یوفون بالنذر و یخافون یوماً﴾

۱۲- اگر کاری برای خدا باشد، فقط از قهر او می‌ترسیم، نه مردم. ﴿نخاف من ربّنا﴾

۱۳- داشتن انگیزه الهی، منافاتی با شوق به ثواب یا خوف از عقاب ندارد. زیرا ثواب و عقاب نیز از خداست. ﴿لوجه الله... انا نخاف من ربّنا یوماً عبوساً﴾

۱۴- در قیامت، نه تنها مردم عبوسند، بلکه روز عبوس است. ﴿یوماً عبوساً﴾

۱۵- برای فرار از آن روز عبوس، امروز در برابر مسکین و یتیم و اسیر، عبوس نکنید. ﴿نخاف من ربّنا یوماً عبوساً﴾

﴿۱۱﴾ فَوَقَاهُمْ اللهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا

﴿۱۲﴾ وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا ﴿۱۳﴾ مُتَّكِنِينَ فِيهَا

عَلَى الْأَرْآئِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا ﴿۱۴﴾ وَ دَانِيَةً

عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَ ذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿۱۵﴾ وَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ

بِأَنبِيَاءٍ مِّنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ﴿۱۶﴾ قَوَارِيرًا مِّنْ فَضَّةٍ

قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿۱۷﴾ وَ يُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا

﴿۱۸﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا

پس خداوند آنان را از شر آن روز مصون دارد و آنان را با شادی و سُروری بس بزرگ روبرو کند. و به سبب صبوری که کردند، بهشتی بزرگ و پوششی از حریر پاداششان دهد. در حالی که در آن بر تخت‌ها تکیه زده‌اند، در آنجا نه آفتابی بیند و نه سرمایی. و سایه‌های درختان بر سرشان نزدیک و خوشه‌های میوه در دسترس آنان. بر دور آنان ظرف‌های نقره‌فام و تنگ‌های بلورین گردانده شود. بلورهایی از نقره که در اندازه‌هایی (معین و متفاوت) اندازه‌گیری کرده‌اند. در آن بهشت، جامی نوشانده می‌شوند که با زنجبیل آمیخته است. چشمه‌ای در آنجا است که سلسبیل نامیده می‌شود.

نکته‌ها:

- «نصرة» به معنای زیبایی و شادابی است. چنانکه در جای دیگر می‌خوانیم: «وجوهٌ یومئذٍ ناضرة»^(۱) «آرائك» جمع «آریكة» به معنای تخت زینت داده شده است.
- «زَمهریر» به معنای سرمای شدید و «قُطوف» جمع «قُطف»، به معنای چیدن است.
- «تذلیل» در معنای رام کردن و در اختیار گذراندن است.
- «اکواب» جمع «کوب» به معنای کاسه و «قواریر» جمع «قارورة» به معنای شیشه و «سلسبیل» نام چشمه‌ای در بهشت است.
- امام باقر علیه السلام ذیل آیه «جزاهم صبروا» فرمود: پاداش ابرار به خاطر صبوری است که در برابر فقر و مصیبت‌های دنیا داشتند.^(۲) چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: «صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی»^(۳) صبر کردم در حالی که در چشم، خار و در گلو تیغ داشتیم. و درباره امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «لقد عجبت من صبرك ملائكة السموات»^(۴) همانا از صبر تو فرشتگان آسمان به تعجب افتادند.
- اطعام ابرار برای دو هدف صورت گرفت: «لوجه الله» و «نخاف من ربنا» و به آن دو

۱. قیامت، ۲۲. ۲. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۶.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳. ۴. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۹.

هدف هم رسیدند. ﴿فوقاهم الله شرّ ذلك اليوم ولقاهم نضرةً و سروراً﴾
 □ صابران نه تنها در قیامت پاداش می‌بینند، بلکه در دنیا، سلام و صلوات الهی را دریافت می‌کنند. ﴿سلام علیکم بما صبرتم﴾^(۱)، ﴿بشّر الصّابرين اولئك علیهم صلوات من ربهم﴾^(۲)، ﴿انی جزیتهم الیوم بما صبروا﴾^(۳)
 □ نعمت‌های بهشتی در اعلی درجه خوبی هستند. تنوین در کلمات «نضرةً»، «سروراً»، «جنّة»، «حریراً» برای عظمت است.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند، مخلصان را به مراد خود می‌رساند. ﴿انا نخاف... یوماً عبوساً - فوقاهم الله شرّ ذلك الیوم﴾
- ۲- ثمره خوف از خدا، نجات از قهر اوست. ﴿انا نخاف... فوقاهم الله شرّ ذلك الیوم﴾
- ۳- کيفر و پاداش باید متناسب با عمل باشد. (حفظ و نجات محرومان، سبب حفظ و نجات انسان در قیامت است.) ﴿فوقاهم الله شرّ ذلك﴾
- ۴- ترس امروز، امنیّت فردا و مسرور کردن امروز، مسرور شدن فردا را به دنبال دارد. ﴿نخاف من ربنا... فوقاهم الله... ولقاهم نضرة و سرورا﴾
- ۵- پاداش‌های الهی به خاطر صبر است. ﴿جزاهم بما صبروا﴾
- ۶- بهشتیان در آسایش و آرامش به سر می‌برند. ﴿متکئین فیها علی الارائك﴾
- ۷- هوای بهشت بسیار مطبوع است. ﴿لا یرون فیها شمساً و لا زمهیراً﴾
- ۸- در بهشت، نعمت‌ها تسلیم ابرار هستند. ﴿ذللّت قطوفها تذلیلاً﴾
- ۹- خادمان بهشتیان، پروانه‌وار به دور آنان می‌چرخند. ﴿یطاف علیهم﴾
- ۱۰- ظرف‌های بهشت در شکل و اندازه‌های متفاوت و مطابق با اراده و میل بهشتیان ساخته شده است. ﴿قدّروها تقدیراً﴾

۱. رعد، ۲۴.

۲. بقره، ۱۵۵.

۳. مؤمنون، ۱۱۱.

﴿ ۱۹ ﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا
 مَّنثورًا ﴿ ۲۰ ﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا
 ﴿ ۲۱ ﴾ عَلَيْهِمْ تِيَابٌ أَسْوَدٌ مِنْ خُضْرٍ وَأَسْتَبْرَقُ وَحُلُوعًا أَسْوَرَ مِنْ
 فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿ ۲۲ ﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً
 وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا

و پسرانی همیشه جوان، (به خدمت) بر آنان می‌گردند، هرگاه آنان را بینی، پنداری
 مرواریدهای غلطان و پراکنده‌اند. و چون آنجا را بنگری نعمتی فراوان و سلطنتی
 بزرگ می‌بینی. بر اندامشان جامه‌های سبز از دیبای نازک و ضخیم است و با
 دستواره‌های نقره زینت شده‌اند و پروردگارشان شرابی طهور (پاک و پاک‌کننده)
 به آنان می‌نوشاند. همانا این جزایی است برای شما و سعیتان مورد سپاس است.

نکته‌ها:

- از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: چرا در این سوره نامی از حورالعین در پاداش ابرار و اهل بیت
 پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مطرح نشده است؟ امام علیه السلام فرمودند: به خاطر مقام فاطمه زهرا علیها السلام.^(۱)
- امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: هنگامی که بهشتیان وارد بهشت می‌شوند،
 با درختی روبرو می‌شوند که سایه‌ای گسترده دارد و از پای آن دو چشمه جاری است، آنان
 در چشمه‌ای خود را می‌شویند و از چشمه دیگر می‌نوشند و پس از آن هیچ بیماری و
 ناراحتی در بدن آنها رخ نمی‌دهد و این است معنای «سقاها ربهم شراباً طهوراً».^(۲)

نعمت‌های بهشتی

- میان نعمت‌های بهشتی با نعمت‌های دنیا تفاوت‌های بسیاری وجود دارد، که در اینجا به
 گوشه‌ای از آنان اشاره می‌کنیم:
 بسیار زیادند: «فاکهة کثیرة»^(۳)

۱. مناقب، ج ۳، ص ۳۲۸. ۲. بحار، ج ۸، ص ۲۱۲. ۳. واقعه، ص ۳۲.

موسمی و فصلی نیستند: ﴿لا مقطوعة﴾^(۱)

در بهره‌گیری از آنها هیچ منعی وجود ندارد. ﴿و لا ممنوعة﴾^(۲)

بهشتیان در استفاده از آنها حس انتخاب دارند. ﴿مما یتخرون﴾^(۳)

برای هر نوع اشتهاهی، نعمتی موجود است: ﴿مما یشتهون﴾^(۴)

استفاده از آنها آفات و عوارضی به دنبال ندارد: ﴿لا یصدعون﴾^(۵)

بهره‌گیری از آنها بدون زحمت است. ﴿و ذللت قطوفها تذلیلاً﴾^(۶)

هرچه بخواهید، خادمان برایتان فراهم می‌کنند: ﴿و یتوف علیهم﴾

خادمان بهشتی هم زیبا هستند: ﴿لؤلؤاً منثوراً﴾، هم پیر نمی‌شوند: ﴿مخلدون﴾

کامیابی در کمال آرامش است: ﴿علی الاراک متکئون﴾^(۷)

در بهشت حسادت و رقابت در آنجا راهی ندارد. ﴿نزعنا ما فی صدورهم من غل﴾^(۸)

نعمت‌ها با رضا و سلام پروردگار همراه است: ﴿و رضواناً من اللّٰه اکبر﴾^(۹)، ﴿سلام قولاً من

ربّ رحیم﴾^(۱۰)

ذریّه مؤمن به آنها می‌پیوندند و کامیاب می‌شوند: ﴿الحقنا بهم ذریتهم﴾^(۱۱)

با اولیای الهی همسایه می‌شوند: «و هم جیرانی»^(۱۲)

نعمت‌های بهشتی متنوع‌اند: ﴿وانهار من لبن... و انهار من عسل...﴾^(۱۳)

پیام‌ها:

۱- پذیرایی در بهشت، خصوصیات ویژه‌ای دارد. از جمله:

نیازی به درخواست و تقاضا ندارد، زیرا پذیرایی کنندگان همواره به دور

بهشتیان می‌گردند. ﴿یتوف﴾

۱. واقعه، ۳۳.	۲. واقعه، ۳۳.	۳. واقعه، ۲۰.
۴. واقعه، ۲۱.	۵. واقعه، ۱۹.	۶. انسان، ۱۴.
۷. یس، ۵۶.	۸. واقعه، ۱۶.	۹. توبه، ۷۱.
۱۰. یس، ۵۸.	۱۱. طور، ۲۱.	۱۲. دعای ندبه.
۱۳. محمد، ۱۵.		

مسئولین پذیرایی از هر سو بر بهشتیان اشراف دارند. ﴿یطوف علیهم﴾ پذیرایی کنندگان نوجوانند. ﴿ولدان مخلدون﴾^(۱) قیافه آنان مانند لؤلؤ درخشانده است. ﴿حسبهم لؤلؤا﴾ حکومت بهشتیان گسترده است. ﴿ملکاً کبیراً﴾ رنگ لباس پذیرایی کنندگان سبز ﴿خضر﴾ و جنس لباس آنان از ابریشم نازک ﴿سندس﴾ و ضخیم ﴿استبرق﴾ است. ساقی ابرار، پروردگار متعال ﴿سقاہم ربہم﴾ و نوع شراب آنها، طهور است. ﴿شراباً طہوراً﴾ (امام صادق علیه السلام فرمود: این شراب، قلب بهشتیان را از غیر خدا پاک می‌کند.)^(۲)

۲- با آنکه بهشت، فضل و لطف الهی است، اما خداوند آن را مزد و اجر ابرار می‌شمرد تا بهشتیان به کار خود بی‌بالند. ﴿ان هذا کان لک جزاء﴾
 ۳- پاداش‌های الهی بر اساس نیت و کیفیت انجام کار است، نه بر اساس کمیت کار و مقدار و مبلغ احسان. (چند قطعه نان جو و این همه پاداش، فقط به خاطر داشتن اخلاص و ایثار است.) ﴿ان هذا کان لکم جزاء﴾ و کان سعیکم مشکوراً

۴- کسی که از مردم، نه پاداش طلب کند و نه تشکر بخواهد، ﴿لا نرید منکم جزاء﴾ و لا شکوراً، خداوند به او هم پاداش می‌دهد و هم تشکر می‌کند. ﴿کان لکم جزاء﴾ و کان سعیکم مشکوراً

۵- تشکر و قدردانی از تلاش دیگران، یک صفت الهی است. ﴿سعیکم مشکوراً﴾
 ۶- نطفه بی‌مقدار ﴿نطفة امشاج﴾ بر اثر ایمان و عمل و اخلاص و ایثار به جایی می‌رسد که آفریدگار هستی از او تشکر می‌کند. ﴿و کان سعیکم مشکوراً﴾

۱. طور، ۲۴.

۲. تفسیر مجمع البیان.

﴿۲۳﴾ اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِیْلًا ﴿۲۴﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا اَوْ كَفُوْرًا ﴿۲۵﴾ وَ اذْكُرْ اَسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَّ اَصِیْلًا

همانا ما خود قرآن را بر تو فرو فرستادیم. پس در برابر حکم پروردگارت صبر پیشه کن و از هیچ گنه‌کار یا کفران پیشه اطاعت مکن. و در هر صبح و شام، نام پروردگارت را یاد کن.

نکته‌ها:

□ «بُكْرَةً» به فاصله میان طلوع فجر و طلوع آفتاب گفته می‌شود «اصیل» به معنای فاصله عصر تا غروب و آخر روز است. ممکن است مراد از این دو کلمه، یاد خدا در آغاز و انجام روز و اقامه نماز باشد.

پیام‌ها:

- ۱- در برابر تهمت سحر و کهان به قرآن، مقاومت کنید. ﴿اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْقُرْآنَ﴾
- ۲- قرآن به تدریج نازل شده است. ﴿نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْقُرْآنَ﴾
- ۳- پیاده کردن فرامین قرآن، صبر و مقاومت لازم دارد. ﴿نَزَّلْنَا... فَاصْبِرْ﴾
- ۴- پایداری و صبر، در انجام فرمان پروردگار ارزش دارد نه در پافشاری به سلیقه‌های شخصی خود. ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ﴾
- ۵- فرامین الهی، برای رشد انسان است. ﴿لِحُكْمِ رَبِّكَ﴾
- ۶- انبیا به موعظه الهی نیاز دارند. ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ﴾
- ۷- گناه پیشه‌گان و خلافکاران تلاش می‌کنند که در رهبری مسلمین نفوذ کنند. ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُطِعْ مِنْهُمْ اَثِمًا اَوْ كَفُوْرًا﴾
- ۸- یاد خدا، انسان را صبور و مقاوم می‌کند. ﴿فَاصْبِرْ... وَاذْكُرْ... بُكْرَةً وَّ اَصِیْلًا﴾
- ۹- از اوقات مناسب برای یاد خدا، آغاز و پایان روز است. ﴿بُكْرَةً وَّ اَصِیْلًا﴾

﴿۲۶﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿۲۷﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ
يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذْرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

و بخشی از شب را برای او سجده کن و در بخشی طولانی از شب به تسبیح او بپرداز. همانا اینان دنیای زودگذر را دوست دارند و روز گرانبار (قیامت) را پشت سر می نهند.

نکته‌ها:

- فرمان عبادت و تکرار کلمه «لیل» در یک آیه کوتاه، نشانه‌ی اهمیت و نقش شب در عبادت است.
- از امام صادق و امام رضا علیهما السلام پرسیدند: مراد از فرمان «سبحه لیلًا طویلاً» چیست؟ فرمودند: نماز شب.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- محبت و دل‌بستگی به دنیا، سرچشمه گناه و کفر و از نشانه‌های گناه پیشگان است. ﴿لا تطع منهم آثماً او كفوراً... ان هولاء یحبون العاجلة﴾
- ۲- دنیا، زودگذر و ناپایدار است. ﴿العاجلة﴾
- ۳- دنیاگرایی و آخرت‌گریزی، زمینه گناه پیشگی است. ﴿آثما... یحبون العاجلة و یذرون ورائهم یوماً ثقیلاً﴾
- ۴- قیامت، روزی بسیار سخت و سنگین است. ﴿یوماً ثقیلاً﴾
- ۵- توجه به زودگذر بودن دنیا و سختی و سنگینی روز قیامت، از عواملی است که می‌تواند محبت انسان را از دنیا کم کند. ﴿العاجلة... یوماً ثقیلاً﴾

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿۲۸﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ
تَبْدِيلًا ﴿۲۹﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذِ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا
﴿۳۰﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا
﴿۳۱﴾ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
أَلِيمًا

مائیم که خلقشان کردیم و مفاصلشان را محکم ساختیم و هرگاه بخواهیم
مانند آنها را چنانکه باید به جای آنان می‌آوریم. به راستی این آیات،
وسیله تذکری است، پس هرکه بخواهد، راهی به سوی پروردگارش در
پیش گیرد. و شما چیزی را نمی‌خواهید، مگر این که خدا بخواهد، همانا
خداوند دانا و حکیم است. هر که را بخواهد به رحمت خود درمی‌آورد و
برای ظالمان عذابی دردناک آماده کرده است.

نکته‌ها:

□ «أسر» بستن با بند است و «اسیر» کسی است که در بند بسته شده است. مراد از «شددنا
اسرهم» آن است که بندها و مفاصل آدمی را محکم کردیم.

پیام‌ها:

- ۱- کفر و طغیان بستر نابودی انسان است. ﴿أَنَّمَا أَوْكَفَرُوا... بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ﴾
- ۲- توانایی خداوند بر آفرینش انسان، نشانه توانایی او بر نابود کردن او است.
﴿خَلَقْنَاهُمْ... بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ﴾
- ۳- خداوند، حجت را بر مردم تمام کرده است. ﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ﴾
- ۴- قرآن، وسیله هوشیاری است. ﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ﴾
- ۵- راه خدا، اجباری نیست، هر که می‌خواهد به سعادت برسد، باید خود آن را
انتخاب کند و بپیماید. ﴿فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذِ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾

۶- خواست انسان، نه مستقل از خواست خداوند است و نه برتر از آن. بلکه آنچه را انسان می‌خواهد، اگر مورد خواست خداوند نیز قرار گیرد، محقق می‌شود.
﴿و ما تشاؤون الا ان يشاء الله﴾

۷- مشیّت خداوند، عالمانه و حکیمانه است، نه گزافه. ﴿يشاء الله... عليا حكما﴾
۸- بر اساس مشیّت حکیمانه، کسانی که بخواهند مشمول رحمت الهی می‌شوند.
﴿يدخل من يشاء في رحمة﴾

۹- کسانی از رحمت الهی دورند، که خود راه ظلم را پیش گرفته‌اند. ﴿والظالمين اعداء لهم عذابا اليما﴾

«والحمد لله رب العالمين»